

به نقل از: پیام فدایی، ارگان چریکهای فدایی خلق ایران شماره ۲۰۲، آذر ۱۴۰۲

## مسیری که برای سوسیالیسم در روسیه طی شد! (۲)

اشرف دهقانی

### قیام مسلحانه تنها راه انتقال قدرت به دست شوراهای

پس از آن که تلاش برای قانع کردن شوراهای جهت به دست گرفتن تمام قدرت به دست خود به نتیجه نرسید، در شرایطی که اسارها و منشویکها در همدستی با حزب کادت عمل کرده و به ایفای نقش ارتجاعی مشغول بودند، در شرایطی که جنگ ویرانگر با مصائب فراوانش برای مردم سراسر روسیه همچنان ادامه داشت و در شرایطی که لنین موکداً تأکید می‌کرد که:

"جنگ موجب آنچنان بحران پدیده‌ای شده و قوای مادی و معنوی مردم را چنان برانگیخته و بر پیکر سازمان اجتماعی معاصر آنچنان ضرباتی وارد ساخته است که بشر ناگزیر به انتخاب یکی از دو راه می‌باشد: یا باید به نابودی تن در دهد و یا برای انتقال هرچه سریع‌تر و قطعی‌تر به مرحله‌ای با شیوه عالی‌تر تولید، سرنوشت خود را به دست انقلابی‌ترین طبقه بسپارد" (خطر فلاکت و راه مبارزه با آن - دموکراسی انقلابی و پرولتاریای انقلابی)، در چنان شرایطی بلشویکها به این نظر رسیدند که حالا دیگر انتقال قدرت به دست شوراهای تنها با قیام مسلحانه امکان‌پذیر است.

در این زمان آشکار بود که حالا دیگر اکثریت کارگران و دهقانان با بلشویکها هستند. به همین خاطر نیز بلشویکها ضمن مبارزه با همه کارشکنی‌ها سعی کردند کنگره دوم سراسری شوراهای برگزار شود تا به واقعیت اکثریت بودن بلشویکها در روسیه رسمیت داده شود. بالاخره با تلاش بلشویکها موعدی برای برگزاری کنگره شوراهای تعیین شد که ۲۵ اکتبر ۱۹۱۷ بود.

همزمان، اسارها و منشویکها جهت سوق دادن انقلاب به سوی پارلمنتاریسم بورژوازی، از ترکیب نمایندگان احزاب سازشکار و حتی نمایندگان سرمایه‌داران و محافظ بازرگانی و صنایع و غیره یک مجلس مشاوره تشکیل دادند. برخورد لنین و بلشویکهای پیرو خط انقلابی وی تحریم این "مجلس مشاوره دموکراتیک" بود. به خصوص مطرح شد که آن مجلس "نماینده اکثریت مردم انقلابی یعنی دهقانان تهری‌دستی که به ستوه آمده‌اند، نیست" (مقاله "مارکسیسم و قیام"). اما در این میان هنوز افرادی از حزب بلشویک که انجام انقلاب سوسیالیستی در روسیه را موکول به انقلاب در کشورهای صنعتی و به خصوص آلمان - که در آن زمان یک جنبش انقلابی در آنجا جریان داشت - می‌کردند به چنین مجلسی توهم داشتند. به طور برجسته کامنف و زینویف از اعضای کمیته مرکزی که چشم به راه‌های قانونی بورژوازی برای بهبود اوضاع داشتند، به کارائی چنین مجلسی امیدوار بودند.

در این اوضاع، با توجه به این که اکنون اکثریت طبقه کارگر، پشتیبان حزب بلشویک بود، لنین در مقاله یاد شده، مطرح کرد که "اکثریت طبقه، یعنی پیشاهنگ انقلاب و پیشاهنگ مردم که توانائی از پی خود بردن توده‌ها را دارد، با ماست" و از این رو بر ضرورت قیام مسلحانه علیه حکومت تأکید نمود.

در روز ۱۰ اکتبر جلسه کمیته مرکزی حزب بلشویک برگزار شد. لنین با این که هنوز مجبور به اختفای خود بود در این جلسه شرکت کرد. با حضور او تصمیم گرفته شد که در همین روزها قیام آغاز بشود. با این تصمیم، به زودی اعضای حزب دست‌اندر کار تهیه مقدمات قیام مسلحانه شدند. اما دو تن از اعضای کمیته مرکزی یعنی کامنف و زینویف مخالف این تصمیم بودند. از نظر آنها گویا طبقه کارگر روسیه آمادگی انقلاب سوسیالیستی را نداشت و لذا اقدام به قیام مسلحانه از نظر آنها ماجراجوئی تلقی می‌شد. در این مورد کروپسکیا در کتاب "یادها" (صفحه ۳۷۲-۳۷۱) می‌نویسد:

"۱۵ اکتبر جلسه سازمان پتروگراد در اسمولنی برگزار شد (این به خودی خود مهم بود). نمایندگان مختلف از جمله هیأت نماینده از منطقه وایبورگ در آنجا حضور داشتند. به خاطر دارم که در ژرژینسکی بر له قیام صحبت می‌کرد، حال آن که چودنوفسکی مخالف آن بود. این یکی در جبهه زخمی شده بود و بازویش در بند قرار داشت. او شدیداً به هیجان آمده بود و این طور استدلال می‌کرد که ما با شکستی غیرقابل اجتناب روبرو خواهیم شد و باید وقت بیشتری صرف این کار بکنیم. می‌گفت "مردن در راه انقلاب آسانترین کارهاست؛ ولی با به کشتن دادن خودمان ما فقط به اهداف انقلاب صدمه می‌زنیم..." روز بعد

در شانزدهم اکتبر جلسه وسیع‌تر کمیته مرکزی در انجمن منطقه‌ای فرعی لستوی پرسپکت برگزار شد که اعضای کمیته اجرائی پتروگرا، سازمان نظامی، کمیته‌های کارخانه‌ای انجمن اتحادیه‌های پتروگرا، کمیته اوکراگ پتروگرا و نمایندگان کارگران راه آهن نیز در آن شرکت داشتند. دو نظر در این جلسه مورد بحث قرار گرفت. یکی نظر اکثریت که پشتیبان یک قیام مسلحانه فوری بود، و دیگری نظر اقلیت که مخالف آن بود. قطعنامه لنین با اکثریت ۱۹ رأی مثبت، ۲ رأی منفی و ۴ رأی ممتنع قبول شد و درباره مسأله تصمیم گرفته شد.

در همین رابطه در نوشته "تروتسکیسم یا لیننیسم؟" از استالین (که متن سخنرانی او در ۱۹ نوامبر سال ۱۹۲۴ در "پلنوم گروه کمونیست شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگری" می‌باشد) نیز مطرح شده است: "اجازه دهید که صورت جلسه بعدی کمیته مرکزی، آن جلسه‌ای را در نظر بگیریم که در ۱۶ اکتبر به تقویم قدیم (برابر با ۲۹ اکتبر به تقویم جدید) سال ۱۹۱۷ برگزار شد. حاضرین: اعضای کمیته مرکزی، به اضافه نمایندگان کمیته پتروگرا، به اضافه نمایندگان سازمان نظامی، کمیته‌های کارخانه، اتحادیه‌های کارگری و راه آهن ....

در این جلسه، مسئله قیام کاملاً از نظر عملی-سازمانی مورد بحث قرار گرفت و قطعنامه لنین درباره قیام با اکثریت بیست در برابر دو رأی مخالف و سه رأی ممتنع تأیید شد.

یک مرکز عملی جهت رهبری سازمانی قیام انتخاب شد. چه کسانی برای این مرکز انتخاب شدند؟ پنج نفر زیر: سوردلوف، استالین، درژینسکی، بونوف و اوریتسکی. عملکرد مرکز عملی: رهبری همه سازمان‌های عملی قیام در مطابقت با اوامر کمیته مرکزی."

### **پیمان شکنی مخالفین و هشجاری ضد انقلاب**

اما چند روز بعد در شرایطی که حزب عملاً دست‌اندر کار تهیه مقدمات قیام بود، دو تن از اعضای برجسته کمیته مرکزی حزب بلشویک یعنی کامنف و زینوویف با زیر پا گذاشتن نظر اکثریت کمیته مرکزی و در مخالفت با تصمیم اتخاذ شده، با نوشتن مطلبی در یک نشریه منشویکی به نام "نووا یا ژیزن" تصمیم کمیته مرکزی حزب بلشویک مبنی بر اقدام به قیام مسلحانه را برای احزاب خرده بورژوا، حزب سرمایه‌داران در داخل روسیه و برای جهانیان افشاء کردند. مسلم است که اگر قیام به صورتی که لنین و بلشویک‌های طرفدار وی مطرح می‌کردند تنها راه نجات روسیه از جنگ و فقر و فلاکت بود، و برای این منظور کسب قدرت سیاسی و به دست گرفتن حکومت از طریق قیام یک ضرورت حتمی تلقی می‌شد، افشاگری کامنف و زینوویف در نقطه مقابل و در ضدیت با این اهداف قرار داشت. شدت عصبانیت لنین از "پیمان شکنی" ای که صورت گرفته بود در نوشته او از مخفی‌گاه خود تحت عنوان "نامه به اعضای حزب بلشویک‌ها" آشکار است:

"رفقا من هنوز امکان نیافته‌ام روزنامه‌های چهارشنبه ۱۸ اکتبر پتربورگ را دریافت دارم. هنگامی که متن کامل اظهارات کامنف و زینوویف مندرجه در روزنامه غیر حزبی "نووا یا ژیزن" را به وسیله تلفن به من اطلاع دادند به هیچ‌وجه نمی‌خواستم آن را باور کنم. ولی جایی برای شک و تردید باقی نماند و من ناچارم از فرصت استفاده کنم تا این نامه را برای پنجشنبه شب یا جمعه صبح به اعضای حزب برسانم. زیرا سکوت در برابر یک چنین پیکار شکنی بی‌سابقه در حکم ارتکاب به جرم است ... من برای خود ننگ می‌دانستم اگر به خاطر دوستی سابق با این رفقای سابق در تقبیح آن‌ها دچار تردید می‌شدم. من صریح می‌گویم که این دو نفر را دیگر رفیق خود نمی‌دانم و با تمام قوا در برابر کمیته مرکزی و کنگره برای اخراج هر دوی آن‌ها از حزب خواهم کوشید."

افشای تصمیم حزب بلشویک برای دست زدن به قیام مسلحانه، دولت حاکم را که کاملاً احساس خطر کرده بود به تکاپو وا داشت و دسته‌جات نظامی خود را وارد میدان کرد. این دسته‌جات آماده حمله شده و با دست زدن به اقدامات ضد انقلابی هر روز بیشتر از روز پیش شرایط بحرانی خاصی به وجود می‌آوردند. در چنین اوضاعی لنین در عصر ۲۴ اکتبر نامه‌ای به اعضای کمیته مرکزی نوشت و آنها را به فوریت برای دست زدن به قیام دعوت نمود:

"رفقا، من این سطور را عصر روز بیست و چهارم می‌نویسم. اوضاع بی‌نهایت بحرانی است. مثل روز روشن است که دیگر تأخیر در قیام حقیقتاً برابر با مرگ است ... باید به هر قیمتی شده امروز عصر یا

شب هنگام پس از خلع سلاح یونکرها (و در صورت مقاومت، غلبه بر آنها) و غیره اعضای دولت را بازداشت نمود.

با توجه به این که قرار بود در 25 اکتبر کنگره شوراهای سراسر روسیه برگزار شود و برخی از بلشویکها بر آن بودند که اول باید کنگره برگزار شود، لنین در نامه خود تأکید کرد: "تصرف قدرت کار قیام است؛ هدف سیاسی آن بعد از تصرف معلوم می‌شود. به انتظار اخذ رأی متزلزل 25 اکتبر نشستن برابر است با نابودی با فورمالیته. مردم حق دارند و موظفند این قبیل مسائل را نه از راه اخذ رأی بلکه از راه زور حل کنند؛ مردم حق دارند و موظفند در لحظات بحرانی انقلاب، نمایندگان خود و حتی بهترین نمایندگان خود را هدایت نمایند و در انتظار آنها ننشینند. این موضوع را تاریخ کلیه انقلابها ثابت کرده است و هر آینه افراد انقلابی با علم به این که نجات انقلاب، پیشنهاد صلح، نجات پتروگراد، نجات از قحطی و واگذاری زمین به دهقانان، به آنها وابسته است لحظه را از دست بدهند جنایت آنان جنایتی بی‌حد و حصر خواهد بود".

به واقع، در آن شرایط انجام قیام و یک‌سره کردن وضعیت حاکمیت خواست توده‌های انقلابی بود و آنها برای این منظور آمادگی داشتند. گزارشی از کروپسکایا وقتی در اواسط پائیز به دیدن مخفی‌گاه لنین در هلسینگفورس رفته بود مؤید این امر است. او مشاهدات خود در واگن یک ترن که نشان از خواست برای قیام بود را این‌چنین شرح داده است:

"واگن پر از سرباز و ملوان بود و من مجبور شدم تمام راه را بایستم. سربازان خیلی واضح از یک شورش صحبت می‌کردند و گفتگویشان فقط در اطراف سیاست دور می‌زد. واگن مانند اتاق کنفرانس بود و سرشار از هیجان بود. هیچ فرد غریبی به داخل نمی‌آمد. ابتدا یک غیر نظامی آمد، ولی بعد از این که شنید سربازی تعریف می‌کند که چگونه افسری را در وایبورگ به داخل رودخانه پرتاب کرده‌اند در ایستگاه بعدی بیرون خزید". کروپسکایا در رابطه با نامه یاد شده از لنین نیز نوشته است: "در 24 اکتبر او نامه‌ای به کمیته مرکزی نوشته و به لزوم به دست گرفتن قدرت در همان روز تأکید نمود. او این نامه را به وسیله مارگریت فرستاد، ولی بدون این که برای مراجعت او صبر کند کلاه گیس‌اش را به سر گذاشته و به اسمولنی رفت. یک دقیقه هم نمی‌بایست هدر می‌شد (کروپسکایا، "پادها" صفحات ۳۷۲ و ۳۷۳). اسمولنی، کاخی بود که بلشویکها آن را ستاد خود قرار داده بودند و جلسات کمیته مرکزی حزب بلشویک هم در آنجا تشکیل می‌شد. لنین در شامگاه ۲۴ اکتبر رهبری قیام را در این مکان به عهده گرفت. در ۲۵ اکتبر با محاصره کاخ زمستانی که افراد حکومت موقت در آنجا بودند و اشغال همه مراکز، انقلاب اکتبر با کمترین خونریزی به پیروزی رسید.

### تشکیل کنگره دوم شوراهای و تشکیل دولت شوروی

در همان روز ۲۵ اکتبر طبق قرار از پیش تعیین شده کنگره دوم شوراهای سراسر روسیه در اسمولنی در شرایطی که قدرت واقعاً در دست شورای پتروگراد بود برگزار شد. در این شورا اکثریت نمایندگان کارگران و سربازان انتخاب شده، از حزب بلشویک بودند. در بیانیه کنگره دوم شوراهای گفته شد: "کنگره به اتکاء اراده اکثریت مهم کارگران، سربازان و دهقانان و به اتکاء قیام پیروزمندانه کارگران و پادگان که در پتروگراد انجام یافته است، حاکمیت را به دست خود می‌گیرد" این کنگره فرمان صلح را تصویب کرد. همچنین در این کنگره فرمان مربوط به زمین تصویب شد. مطابق این فرمان مالکیت ملاکان بر زمین و به طور کلی حق مالکیت خصوصی بر زمین برای همیشه ملغی شد. اراضی ملاکان، زمینهای تیول و زمینهای متعلق به دیرها برای بهره‌برداری همه زحمتکشان به رایگان به آنها اختصاص داده شد. دهقانان از پرداخت سالیانه ۵۰۰ میلیون منات به عنوان حق اجاره به مالکان آزاد شدند. قطعنامه‌های دیگری نیز مطابق برنامه بلشویکها در این کنگره به تصویب رسید. در آخر، در کنگره دوم سراسر روسیه، دولت شوروی در شکل "شورای کمیسرها ملی" از بلشویکها تشکیل شد و لنین به ریاست نخستین "شورای کمیسرها ملی" انتخاب شد.

روی کار آمدن دولت شوروی در روسیه پیروزی بزرگی برای طبقه کارگر این کشور بود. اما این دولت از همان ابتدا می‌بایست با مشکلات عدیده‌ای دست و پنجه نرم کند. علاوه بر این که در همان آغاز در خیابانهای پتروگراد و مسکو زد و خوردهای شدیدی بین نیروهای طرفدار سرمایه‌داران و نیروهای طرفدار

شوروی جریان داشت و یا اقدامات مسلحانه دیگری در دیگر نقاط برای مقابله با دولت شوروی صورت می‌گرفت، از لحاظ سیاسی نیز شوروی نو پا مورد حمله احزاب خرده بورژوازی قرار داشت.

### **برخورد با "مجلس مؤسسان"**

یکی از مسائل، مربوط به مجلس مؤسسان بود که بالاخره دولت ائتلافی قبل از انقلاب اکتبر تحت فشارهای صورت گرفته زمان آن را در ژانویه 1918 تعیین کرده بود. در تاریخ فوق که دیگر حکوت در دست بلشویک‌ها بود این مجلس برگزار شد. بلشویک‌ها قرارداتی را به نام مجلس مؤسسان با عنوان "اعلامیه حقوق مردم زحمتکش و استثمار شونده" تنظیم کرده و در مجلس مؤسسسانی که اکثریت به حزب اس‌ارهای راست یعنی حزب کرنسکی، آوکسنتیف و چرنف تعلق داشت، شرکت کردند. لازم به توضیح است که قبل از انقلاب اکتبر با پیشروی انقلاب، حزب اس‌ار به دو گروه اس‌ارهای راست و اس‌ارهای چپ منشعب شده بودند. در نتیجه حزب اس‌ارهای راست در رأس مجلس مؤسسان حتی حاضر نشد پیشنه‌دارگان عالی حکومت شوروی یعنی کمیته اجرائیه مرکزی شوروا را مورد بحث قرار دهد؛ و البته برنامه حکومت شوروی که در "اعلامیه حقوق مردم زحمتکش و استثمار شونده" مطرح شده بود را نیز مورد تصدیق قرار نداد. لذا بلشویک‌ها آن مجلس مؤسسان را ترک گفتند. سپس کمیته اجرائی مرکزی دولت شوروی فرمانی را در این زمینه اعلام نمود.

در آن "فرمان" \_اگر به طور خلاصه گفته شود\_ مطرح شد که:

"انقلاب روسیه از همان آغاز خود، شوراهای نمایندگان کارگران، سربازان و دهقانان را به مثابه سازمان توده‌ای کلیه طبقات زحمتکش و استثمار شونده و یگانه سازمان قادر به رهبری مبارزه این طبقات در راه رهایی کامل سیاسی و اقتصادی آنها، به میان کشید" و طی دوره‌ای "طبقات استثمار شونده ضمن تجربه یقین حاصل کردند که دوران پارلمانتاریسم کهنه بورژوائی سپری شده و با وظایف عملی ساختن سوسیالیسم به هیچ‌وجه، هم‌ساز نیست و آنچه قادر به غلبه بر مقاومت طبقات توانگر و بنیادگذاری جامعه سوسیالیستی است مؤسسات عمومی ملی نبوده بلکه فقط مؤسسات طبقاتی (نظیر شوراهای) است. هرگونه امتناعی که از تمامیت قدرت شوراهای و جمهوری شوروی که مردم به کف آورده‌اند به نفع پارلمانتاریسم بورژوائی و مجلس مؤسسان به عمل آید، اکنون در حکم گامی به پس و ورشکستگی تام انقلاب کارگری و دهقانی اکتبر خواهد بود". همچنین گفته شد که:

"مجلس مؤسسان که بر اساس فهرست‌های تنظیمی قبل از انقلاب اکتبر انتخاب شده مظهر تناسب قدیمی نیروهای سیاسی و دورانی است که سازشکاران و کادتها در سر کار بودند" در حالی که از آن زمان به بعد تناسب نیروها به نفع شوراهای تغییر کرده بود. به این موضوع هم اشاره شد که:

چطور "اس‌ارهای راست و منشویک‌ها در خارج از دیوارهای مجلس مؤسسان به شدیدترین مبارزه علیه حکومت شوروی مشغولند. در روزنامه‌های خود مردم را آشکارا به سرنگون ساختن آن دعوت می‌نمایند ... حتی برای ترور که هم اکنون از طرف "گروه‌های نامعلومی" شروع به اجرای آن شده است، شعارهای بی‌پرده می‌دهند. از این رو واضح است که بخش باقیمانده مجلس مؤسسان کاری که ممکن است انجام دهد فقط استتار مبارزه عناصر ضد انقلابی برای سرنگون ساختن حکومت شوروی است". نتیجه این سخنان آن بود که مجلس مؤسسان از طرف دولت شوروی منحل اعلام شد.

**(ادامه دارد)**